*درسنامهٔ فارسی هفتم (درس هفتم) *دبیران ادبیات فارسی شهرستان دلفان
*دکتر احمد کنجوری، ابوالقاسم رستمی، بهزاد شاکرمی، علی منتی و زهرا کوشکی

علم زندگانی

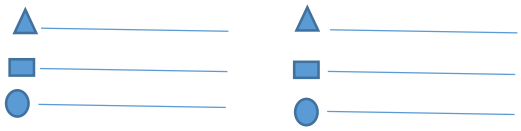
موضوع و محتوا: در این درس به اهمیت تجربه و آداب اخلاقی پسندیده در زندگی روزمره پی می‌بریم و با به کار بردن مَثَل و تشبیه آشنا می‌شویم.

*خواندن صحیح، در درک و فهم ابیاتِ درس، کمک شایانی به ما می‌کند.

قالب شعر: مثنوی (دوتایی)

مثنوی یکی از قالب‌های شعر فارسی است؛ شامل بیت‌های پیاپی که هر بیت، قافیه‌ای مستقل و جداگانه دارد. برای سرودن منظومه‌های بلند شعری از این قالب استفاده می‌شود.

نمودار قالب مثنوی



۱. کبوتر بچه ای با شوق پرواز — به جرئت کرد روزی بال و پر باز

واژه‌های مهم: شوق: میل، علاقه/ جرئت: شجاعت، شهامت.

نکته‌های ادبی: پرواز و باز: قافیه/ کبوتر، پرواز، بال و پر: مراعات نظیر.

معنا و مفهوم: بچه کبوتری با میل و علاقه‌ای که به پرواز داشت، روزی با شجاعت برای پریدن پر و بال خود را گشود.

۲. پرید از شاخکی بر شاخساری — گذشت از بامکی بر جوکناری

واژه‌های مهم: بامک: بام کوتاه/ شاخک: شاخهٔ کوچک/ جوکنار: کنارِ جوی (جابه‌جا شده‌اند.)/ شاخسار: قسمت بالای درخت که پرشاخه باشد.

نکته‌های ادبی: شاخک و شاخساری: مراعات نظیر و تضاد/ شاخساری و جوکناری: قافیه.

معنا و مفهوم: از شاخهٔ کوچکی به شاخه‌های بالای درخت پرید. از روی بام کوتاهی به کنار جوی آبی پرواز کرد.

۳. نمودش بس که دور آن راه نزدیک — شدش گیتی به پیش چشم تاریک

واژه‌های مهم: گیتی: جهان/ نمودش: به نظرش آمد.

نکته‌های ادبی: دور، نزدیک: تضاد/ نزدیک، تاریک: قافیه.

معنا و مفهوم: آن راه نزدیک، آن‌قدر دور به نظرش رسید که دنیا پیش چشم او تاریک شد.

٤. زِ وحشت، سست شد بر جای، ناگاه — ز رنج خستگی درماند در راه

واژه‌های مهم: ز: مخفّفِ (کوتاه شدهٔ) از/ وحشت: ترس/ ناگاه: ناگهان/ سست شد: ضعیف و ناتوان شد، خشکش زد و نتوانست حرکت کند/ درماند: درمانده شد، ناتوان شد.

معنا و مفهوم: از ترس، ناگهان در جایش بی‌حرکت ماند (خشکش زد). از شدّت خستگی نتوانست به راهش ادامه دهد.

۵. فتاد از پای، کرد از عجز فریاد　　ز شاخی مادرش آواز در داد

واژه‌های مهم: فُتاد: افتاد/ عجز: ناتوانی/ آواز در داد: صدا زد.

نکتهٔ ادبی: فتاد از پای: کنایه از ناتوان شدن.

معنا و مفهوم: خسته و درمانده شد و از شدت ناتوانی فریاد زد (آه و ناله کرد) و مادرش از روی شاخه‌ای او را صدا زد:

نکته: معنای این بیت و بیت بعد، به هم وابسته است (در اصطلاح به آن موقوفُ‌المَعانی گویند).

۶. تو را پرواز بس زود است و دشوار　　ز نوکاران که خواهد کار بسیار؟



واژه‌های مهم: دشوار: سخت/ بس: بسیار/ نوکار: تازه کار، بی‌تجربه.

معنا و مفهوم: برای تو پرواز کردن بسیار زود و سخت است. کسی از بی‌تجربه‌ها، انتظار ندارد کارهای بزرگ و سخت انجام دهند.

۷. هنوزت نیست پای برزَن و بام　　هنوزت نوبت خواب است و آرام

واژه‌های مهم: بَرزَن: محلّه، کوی/ بام: پشت بام.

نکته‌های ادبی: برزن و بام: مراعات نظیر/ خواب و آرام: مراعات نظیر/ پای بام و برزن نداشتن: کنایه از ناتوانی در انجام کاری.

معنا و مفهوم: تو هنوز توانایی پرواز کردن و پریدن در محلّه و پشت بام را نداری. هنوز زمانِ استراحت و آرامشِ تو است.

۸. تو را توش، هنر می‌باید اندوخت　　حدیث زندگی، می‌باید آموخت

واژه‌های مهم: توش: توشه، اندوخته/ اندوختن: جمع کردن/ حدیث: داستان، سخن/ حدیث زندگی: راه و روش زندگی.

نکته‌های ادبی: توشِ هنر: «هنر» به «توشه» تشبیه شده است./ می‌باید، می‌باید: تکرار/ حدیث زندگی: زندگی به حدیث تشبیه شده است.

معنا و مفهوم: تو هنوز باید هنر بیاموزی و تجربه کسب کنی و راه و رسم زندگی کردن را یاد بگیری.

۹. بباید هر دو پا محکم نهادن　　از آن‌پس فکر بر پای ایستادن

واژه‌های مهم: بباید: باید/ نهادن: گذاشتن.

نکتهٔ ادبی: نهادن و ایستادن: قافیه.

معنا و مفهوم: تو بایستی یاد بگیری که نخست پاهایت را محکم بر زمین بگذاری؛ سپس به فکر ایستادن باشی.

۱۰. من اینجا چون نگهبانم تو چون گنج تو را آسودگی باید مرا رنج

نکته‌های ادبی: آسودگی و رنج: تضاد/ نگهبان و گنج: مراعات نظیر/ در مصراع اول، دو تشبیه به کار رفته است.

معنا و مفهوم: من در اینجا مانند نگهبان هستم و تو مانند گنج هستی. من باید برای مراقبت از تو سختی بکشم تا تو آسوده و راحت باشی.

۱۱. مرا در دام‌ها بسیار بستند ز بالم کودکان پرها شکستند

واژهٔ مهم: دام: تله.

نکته‌های ادبی: بستند و شکستند: قافیه./ پر و بال: مراعات نظیر.

معنا و مفهوم: من گرفتار دام‌های زیادی شده‌ام و بارها کودکان پرو بالم را شکسته‌اند.

۱۲. که از دیوار سنگ آمد، که از در گهم سرپنجه خونین شد، گهی سر

واژهٔ مهم: گه: کوتاه شده (مخفّفِ) «گاه».

نکته‌های ادبی: در و دیوار: مراعات نظیر/ در، سر: قافیه/ سر و سرپنجه: مراعات نظیر.

معنا و مفهوم: گاهی از دیوار و گاهی از در به من سنگ زدند، گاهی سر پنجه‌ام و گاهی هم سرم زخمی و خونین شد.

۱۳. نگشت آسایشم یک لحظه دمساز گهی از گربه ترسیدم که از باز

واژه‌های مهم: دمساز: همدم/ باز: نوعی پرنده شکاری.

نکتهٔ ادبی: دمساز و باز: قافیه/ گربه، باز: مراعات نظیر.

معنا و مفهوم: آسایش و راحتی یک لحظه همراه و همدم من نبود، گاهی از گربه و گاهی از باز شکاری ترسیدم (از آسمان و زمین به من هجوم آورده شد).

۱۴. هجوم فتنه‌های آسمانی مَرا آموخت علم زندگانی

واژهٔ مهم: هجوم: حمله، یورش/ فتنه: بلا، آشوب/ را: به/ مَرا: به من.

نکته‌های ادبی: آسمانی و زندگانی: قافیه/ هجوم فتنه‌های آسمانی: آرایهٔ تشخیص.

معنا و مفهوم: بلاها و سختی‌های روزگار به من درس زندگی کردن را آموخت.

۱۵. نگردد شاخک بی‌بُن بَرومند ز تو سعی و عمل باید، ز من پند

واژهٔ مهم: بی‌بُن: بی‌ریشه/ بَرومند: باثمر، پربار/ سعی: تلاش و کوشش/ پند: نصیحت و اندرز.

نکته‌های ادبی: نگردد شاخک بی‌بن بَرومند: مَثَل/ بَرومند و پند: قافیه/ شاخک، بُن و بَر: مراعات نظیر.

معنا و مفهوم: شاخهٔ کوچک و بدون ریشه، میوه و ثمری نمی‌دهد. تو باید سعی و تلاش کنی و من هم باید تو را اندرز و نصیحت کنم.



پروین اعتصامی: فرزند یوسف اعتصام الملک آشتیانی در تبریز متولد شد. سرودن شعر را در هشت سالگی آغاز کرد. پروین نخستین شعرهایش را در مجلهٔ بهار به چاپ رسانید و مورد تشویق اهل ادب قرار گرفت. تنها اثر پروین **دیوان شعر** اوست که شامل قصاید و قطعات بسیار دلنشین است. بیشتر قطعات پروین حالت **مناظره یا گفت‌وگو** دارد. سرانجام در سال ۱۳۲۰ بر اثر بیماری حَصبه درگذشت. آرامگاه او در شهر قم کنار صحن حضرت معصومه (س) قرار دارد.

دانش زبانی

بازگردانی(تبدیل شعر به نثر): گاهی در شعر برای ایجاد زیبایی و تأثیرگذاری یا حفظ وزن و آهنگ کلام و شعر، جای اجزای سخن تغییر می‌کند. در بازگردانی محتوا و پیام شعر به زبان ساده و قابل فهم بیان می‌شود.

نمودش بس که دور آن راه نزدیک　　شدش گیتی به پیش چشم تاریک

در این بیت، شاعر برای رعایت وزن و آهنگ کلام، جای اجزای سخن را تغییر داده است. اگر ما شعر را به نثر برگردانیم، به این شکل می‌شود:

آن راه نزدیک، آن‌قدر دور به نظرش رسید که دنیا پیش چشم او تاریک شد.

نکته زبانی

متمم: متمم مانند نهاد و مفعول یکی از نقش‌های دستوری است که توضیح بیشتری دربارهٔ جمله می‌دهد. متمم پس ازحرف اضافه می‌آید. کلمه‌هایی مانند «از، به، در، و...» حروف اضافه هستند و بعد از آنها متمم می‌آید؛ مانند: علی به مسافرت رفت.

در این جمله، «به» حرف اضافه و «مسافرت» متمم است.

حکایت

دُعای مادر

از بایزید بسطامی (رحمة الله علیه) پرسیدند که ابتدای کار تو چگونه بود؟ گفت من ده ساله بودم، شبی از عبادت خوابم نمی‌برد. شبی مادرم از من درخواست کرد که امشب سرد است، نزد من بخُسب.

بایزید بسطامی: از عارفان قرن سوم/ رَحمة الله عَلیه: رحمت و درود خدا بر او باد/ بخُسب: بخواب/ بایزید بسطامی: متمم/ ابتدای کار تو: نهاد/ عبادت: متمم.

مخالفت با خواهش مادر برایم دشوار بود، پذیرفتم. آن شب هیچ خوابم نبرد و از نماز شب باز ماندم. یک دست بر دست مادر نهاده بودم و یک دست زیر سر مادر داشتم. آن شب، هزار «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» خوانده بودم.

خواهش: درخواست/ دشوار: سخت/ بازماندم: جا ماندم، دور ماندم/ از نماز شب باز ماندم: نتوانستم نماز شب بخوانم/ نهاده بودم: گذاشته بودم/ خواهش مادر: متمم/ نماز شب: متمم/ دست مادر: متمم/ هزار «قل هو الله احد: مفعول.

آن دست که زیر سر مادرم بود، خون اندر آن خشک شده بود. گفتم: «ای تن، رنج از بهر خدای بکش» چون مادرم چنان دید، دعا کرد و گفت: «یا رَب، تو از وی خُشنود باش و درجتش، درجه اولیا گردان».

دعای مادرم در حقّ من مستجاب شد و مرا بدین جای رسانید.

بُستان العارفین

خون اندر آن خشک شده بود: خواب رفته بود/ از بهر: به خاطر/ رب: پروردگار/ خُشنود: راضی/ اولیا: جمع «ولی»، بزرگان دین/ مستجاب شد: قبول‌شد، برآورده شد/ درجه: مقام، رتبه/ بدین: به این.